

**نگاهی به هفتادونهمین جشنواره فیلم ونیز در گفت‌وگو با محمد اطبایی**

# سینمای ایران همچنان می‌درخشد



عکس:ها. Gettyimages

نشان‌دهنده این مطلب است. گاه درباره جشنواره‌های دیگر نکاتی گفته می‌شود که معمولا درست است. اما جشنواره فیلم ونیز همیشه از دریچه سینما به انتخاب فیلم پرداخته و تا حد زیادی این موضوع مدیون شخص آلبرتو باربارا مدیر جشنواره فیلم ونیز است.»

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «امسال در ونیز همه‌چیز حیرت‌انگیز بود. فیلم‌هایی از سینماگران ایرانی در بخش‌های مختلف جشنواره شرکت داشتند و یک داور از ایران داشتیم و در پایان هم سه جایزه به سینمای ایران رسید.

همه این موارد نشانگر توجه به سینمای ایران است. در حالی که بسیاری از کشورهای صاحب سینما در جشنواره اصلا حضور نداشتند و من این را به سال موفقیت‌آمیز سینمای ایران در سال ۲۰۲۲ تعمیم می‌دهم که از برلین شروع شد و در کن ادامه پیدا کرد و بعد به کارلووی واری رسید و در ونیز از شش فیلم ایرانی حاضر در جشنواره، سه جایزه گرفتیم و در ادامه در جشنواره تورنتو هم تعداد قابل توجهی فیلم ایرانی را پذیرفته شده‌ط است.»

اطبایی در پاسخ به این پرسش که استقبال تماشاگران از فیلم‌های ایرانی حاضر در جشنواه ونیز چطور بود؟ گفت: «تلاش کردم فیلم‌های ایرانی را در جشنواره ببینم و واکنش‌ها نسبت به فیلم‌های ایرانی فوق‌العاده بود. حتی در فضای جشنواره و دور از سالن نمایش فیلم، سینماگران ایرانی با واکنش‌های خوب تماشاگران روبه‌رو می‌شدند. برخلاف جشنواره‌های دیگر کن که برای عموم مردم نیست و فیلم‌ها فقط برای دست‌اندرکاران حرفه‌ای سینما نمایش داده می‌شود، در ونیز و برلین این‌طور نیست. با این همه، شرایط ونیز

راه دوستانه و اقتصادی یا غیردوستانه از آن استفاده کنند و در کنار آن، آدم‌هایی که در داخل آن کشورها هستند به دلیل شرایطی، این ثروت در کشورشان خوب نمی‌چرخد. «شکیب» فقط به دنبال امرار معاش است تا بتواند روزمره زندگی کند. اما شرایط او را به سمتی می‌برد تا تبدیل به یک آثارشیت شود. این تغییر وضعیت برای من آشنا بود، چراکه در جامعه‌ام این آدم‌ها را می‌بینم و قطعا در سطح جهان هم آدم‌های آشنایی با این وضعیت هستند. تبدیل یک آدم معمولی به یک آثارشیت، باعث شد این نقش را بازی کنم.»

هومن سیدی هم در دقایق کوتاهی از نشست خبری به ویژگی‌های ونیز و جشنواره اشاره کرد و گفت: «همیشه آرزو داشتیم در فستیوال ونیز حضور داشته باشیم. دلم می‌خواست ونیز را ببینم. این جایزه جدا از اینکه مسیر حرفه‌ای هر فیلم‌سازی را تغییر می‌دهد، برای من مفاهیم دیگری دارد. فکر می‌کنم اگر همه مردم دنیا همدیگر را دوست داشته باشند، هرگز هیچ جنگی اتفاق نمی‌افتد.»

**جشنواره فیلم ونیز همیشه از دریچه سینما به انتخاب فیلم پرداخته است**

محمد اطبایی پخش‌کننده و کارشناس بین‌المللی سینمای ایران درباره ویژگی‌های جشنواره فیلم ونیز که در سال‌های برگزاری‌اش میزبان خوبی برای فیلم‌های ایرانی بوده است به «شرق» گفت: «به نظرم جشنواره ونیز در قیاس با جشنواره‌های دیگر سطح بالای دنیا مثل کن و برلین همیشه توجه ویژه‌ای به سینمای واقعی و مؤلف ایران داشته است و تاریخچه حضور فیلم‌های ایرانی در جشنواره ونیز هم



**بهناز شیربانی:** همدار یا شاید هم واکنشی به افزایش نابرابری. مضمون در «جنگ جهانی سوم» تازه‌ترین اثر سینمایی هومن سیدی که در جشنواره فیلم ونیز برای نخستین بار دیده شد و جوایز بهترین فیلم و بازیگر مرد بخش اف‌های این جشنواره را به خود اختصاص داد. فیلمی که به نظر می‌رسد مسیر جشنواره‌ای موفق‌ی پیش‌رو داشته باشد و از اکرانش در ایران هنوز خبری به گوش نمی‌رسد. سیدی در این فیلم به سراغ زندگی کارگری روزمزد به اسم شکیب رفته که محل کار و لوکیشن فیلمی درباره جنایات نازی‌ها در جنگ جهانی دوم است. وقتی اتفاقی برای بازیگر نقش هینلر در فیلم می‌افتد، شکیب به خاطر شباهت به هینلر به‌عنوان بازیگر نقش او انتخاب می‌شود و از اینجا به بعد در هزارتویی از اتفاقات مختلف فرومی‌رود.

بخش اف‌ها را به خود اختصاص دادند و فیلم «خرس نیست» به کارگردانی جعفر پناهی جایزه ویژه هیئت داوران بخش مسابقه اصلی را دریافت کرد. پناهی سال‌ها پیش،

برای فیلم «دایره» جایزه اصلی شیر طلایی بهترین فیلم جشنواره را به خود اختصاص داد.

محسن تائبنده جایزه‌اش را به تمام جامعه کارگران ایران و همسرش تقدیم کرد و هومن سیدی جایزه‌اش را سهم مردم ایران دانست.

محسن تائبنده بعد از دریافت جایزه بهترین بازیگر مرد بخش اف‌های جشنواره فیلم ونیز در نشست خبری درباره نقشی که در فیلم «جنگ جهانی سوم» ایفا کرد، توضیح داد و گفت: «عمده کشورهایی که در حال کسترش هستند و در آنجا جنگ وجود دارد و البته ذخایر انرژی مثل نفت و گاز دارند تا بتوانند ثروتمند باشند، به‌خصوص کشورهای حاشیه خلیج فارس، به جز چند کشور عربی، عمداً آدم‌هایی شبیه شخصیت «شکیب» قصه را در آنجا می‌بینم. ثروتی که هم کشورهای دیگر به آن چشم دارند و دوست دارند از



هفته‌هاست که چشم‌های بسیاری مسافران ایرانی جشنواره فیلم ونیز را دنبال می‌کند. امسال قدیمی‌ترین جشنواره سینمای جهان باز هم شاهد حضور سینماگرانی از ایران بود که از نخستین روزهای حضورشان در جشنواره و نمایش آثارشان، دقایقی طولانی در سالن نمایش فیلم تشویق شدند و در اختامیه این رویداد هنری نام سینمای ایران بار دیگر درخشید.

لیلا حاتمی که امسال یکی از اعضای هیئت داوران بخش مسابقه اصلی جشنواره ونیز بود، جایزه سالانه «زن در سینما» را به همراه «آدری دیوان»، روزنامه‌نگار، نویسنده، فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان لبنانی‌الاصِل «ملیکا آیان» هنرمند و خواننده ایتالیایی، «دریا ترگوبووا» بازیگر و تهیه‌کننده اوکراینی و «کیارا اوگولینی» روزنامه‌نگار سینمایی اهل کشور ایتالیا دریافت کرد. جایزه‌ای که توسط روزنامه‌نگاران سینمایی زن ایتالیا اعطا می‌شود.

هومن سیدی برای کارگردانی فیلم «جنگ جهانی سوم» جایزه بهترین فیلم و محسن تائبنده جایزه بهترین بازیگر مرد

## روزملی سینما و طرح چنددغدغه



رضا کبانی

روز ملی سینمای ایران فرصت خوبی است برای نگاهی نو به «تاثیر و تأثر» سینما نسبت به فرهنگ و جامعه ایرانی و همچنین پی‌بردن به کاستی‌های سخت‌افزاری و پشتیبانی در مسیر ارتباط میان لایه‌های مختلف جامعه با این «هنر صنعت وارداتی»… در همین راستا ضرورت دارد که گذشته، امروز و آینده را مورد ارزیابی قرار دهیم؛ نگاه عمیق به گذشته، تحلیل فضای امروز و در نهایت، هموارساختن مسیر آینده… برای شناسایی بهتر وضعیت «سینمای ملی» اثربخشی کهن‌الگوها، ادبیات ملی، باورها، دغدغه‌ها، ظرافت‌های فرهنگ اجتماعی، هستی‌شناسی، اعتقادات و هر آنچه در دایره فرهنگ، تاریخ و تمدن ایران می‌دانیم و حس و

### پاکستان: ارتش، مذهب، مدرسه و تروریسم



برگ‌بگد

این عامل بر روابط ایران با هند و افغانستان، ارتباطات گسترده پاکستان با کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس و تأثیرپذیری آن از وهابیت و جایگاه پاکستان در سیاست آمریکا در جنوب آسیا به‌ویژه در هرگونه تعاملی برای همکاری با مهار چین، تنها ابعادی از اهمیت پاکستان و ضرورت شناخت ایران برای درک منافع ملی ایران است. اولین مزیت کتاب تأییش برای خواننده، ارائه تاریخی مختصر و البته به اندازه کافی روشن‌نگر درباره تحولات تاریخی پاکستان از زمان جدایی از هند است. جدای از جزئیات تاریخی، شرح چگونگی «تغییر ترکیب دولت از نهادهای منتخب به نهادهای غیردموکراتیک از اواسط دهه ۱۹۵۰ه (ص. ۲۳) و اینکه چگونه «قدرت بسیار زیادی در اختیار ارتش قرار داشت» (همان) از ویژگی‌های ممتاز کتاب است. این دو خصیصه تا به امروز هم مشخصات پایدار سیاست پاکستان بوده‌اند.

دومین مشخصه کتاب، ارائه تصویری از چگونگی درهم‌آمیزی سیاست مذهبی، وهابیت و نظام مدارس دینی به‌ویژه در دوران حکومت ژنرال ضیاءالحق (۱۹۸۸–۱۹۷۷) است. نویسنده

شعر و نثر برمایه کلاسیک و همچنین برخی آثار غنی ادبیات داستانی معاصر این سرزمین، انتظار را از آوردگاه هنر هفتم بالا می‌برد. جای این پرسش باقی است با توجه به میراث درخشان ادبیات فارسی. در طول سال چند فیلم سینمایی براساس آنها تولید می‌شود؟ بدون شک گوهرمایه‌های قابل اعتنای ادبی ایران می‌توانند دستمایه و پشتوانه ارزشمندی برای تولید آثار سینمایی باشند. بر کسی پوشیده نیست در مقطعی از زمان، اقتباسی از ادبیات داستانی، موجدی در وادی فیلم‌سازی ایران به‌وجود آورد که در تغییر مسیر حرکت جریان سینمای کشور بسیار مؤثر بود… روی آوری به اقتباس از آثار ادبی در سینما را به مثابه یک جریان پویا در سطح سینمای جهان قلمداد می‌کنیم که همچنان رویکرد خلاقانه، تحول‌آفرین و جذاب است. پرداختن به ظرفیت‌های فراوان دراماتیک در آثار ادبی ایران با زبان سینما و پیوند با دغدغه‌های روزگار امروز، جهشی به افزایش کیفی تولیدات ایجاد می‌کند. از لزوم «تأثیرپذیری» سینما نسبت به فرهنگ، تاریخ، ادبیات و مقتضیات روحی اجتماعی گفتیم، اما نباید از تحلیل میزان «تأثیرگذاری» سینما بر جامعه امروز ایران غافل بود! قدر مسلم است که در جای جای جهان سینما تأثیر خود را بر سبک

معتقد است «تاریخ پاکستان را هیچ‌یک از رهبران سیاسی و مذهبی به اندازه ژنرال ضیاءالحق تغییر نداده‌اند» (ص. ۳۶) او گرایش عمیق به وهابیت داشت و در زمان حمله شوروری به افغانستان با اتکا به پول و راهبرد ضدشوروی آمریکا، کمک اعراب خلیج فارس و شبکه‌ای از مدارس مذهبی که تأثیری عمیق بر فرهنگ پاکستان باقی گذاشتند، افراط‌گرایی و گروه‌های تروریستی در پاکستان را نهادینه کرد تا آنجا که «خشونت در زندگی روزمره رایج شد. صاحب‌نظران با برجسب فرهنگ کلاشینیکف به تلخی از گسترش سریع تسلیحات در مناطق مختلف پاکستان یاد می‌کردند» (ص. ۴۰).

سومین نکته‌ای که تأییش در این کتاب بررسی می‌کند چگونگی پیوندخورده اندیشه‌های اسلام‌گرایانی نظیر سید قطب (ص. ۵۳)، با مدرسه‌های مذهبی و تربیت‌شدگان این مدارس از جمله بن‌لادن و سایر سرکردگان القاعده است. شرح تأییش درباره هم‌گرایی عواملی برآمده از اندیشه مذهبی افراطی، استفاده ابزاری ارتش و سازمان اطلاعات پاکستان از افراط‌گرایی مذهبی برای مقابله با هند در مسئله کشمیر، تأثیر رقابت آمریکا و شوروی بر پیدایش عرب‌های افغان و سنت‌های قبیله‌ای در شمال غربی پاکستان و مرز با افغانستان، نشان‌دهنده چگونگی تعامل عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی در پیدایش تروریسم است.

استفاده ابزاری پاکستان از افراطی‌گری و گروه‌های تروریستی برای پیشبرد اهداف خود در مناقشه با هند – که می‌تواند در رقابت با سایر کشورها نیز استفاده شود – حاوی نکات مهمی است. ارتش پاکستان حتی در سال‌های بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و

خاص‌تر است و مردم مشتاقانه سینما را دنبال می‌کنند و به عشق دیدن فیلم‌های خوب به جشنواره می‌آیند و سالن‌های نمایش‌دهنده فیلم در ونیز معمولاً پر از جمعیت است. طبیعی است که همیشه تفاوت‌هایی در رای هیئت داوران، مردم و منتقدان وجود دارد. اما در نهایت جایزه‌ها هم از بین فیلم‌هایی که مورد استقبال مردم قرار گرفت، اهدا شد.»

اطبایی در بخش دیگری از صحبت‌هایش در پاسخ به این پرسش که نظر غالب مخاطبان و منتقدان درباره تازه‌ترین اثر سینمایی هومن سیدی، «جنگ جهانی سوم»، چه بود؟ گفت: «جالب بود که اکثراً فیلم را دوست داشتند. برخورد مخاطبان فیلم، دست‌اندرکاران حرفه‌ای سینما و منتقدان با فیلم فوق‌العاده بود. فیلمی که نشان داد هر مخاطبی را با سلیقه‌های مختلف راضی می‌کند و همه در جشنواره هم‌نظر بودند که این فیلم یک صدای جدید در سینمای ایران است و با «جنگ جهانی سوم» نوع جدیدی از تولیدات سینمای ایران را می‌بینیم و از این جهت برای همه مخاطبان فیلم در ونیز جذاب بود. همان‌طوره که آلبرتو باربارا در کنفرانس مطبوعاتی معرفی فیلم‌های حاضر در جشنواره فیلم ونیز اشاره کرد که یکی از اورجینال‌ترین قصه‌ها را در «جنگ جهانی سوم» می‌بینیم و یک شگفتانه در جشنواره است و حتما در پایان تماشاگرانش را هم دچار شگفتی می‌کند. به مرور در طول جشنواره فیلم ونیز شاهد بودیم که اگر با عوامل فیلم در رستوران یا کافه‌ای نشسته بودیم، مردم عادی مراجعه می‌کردند و درباره فیلم حرف‌های جذابی می‌زدند که باعث دلگرمی بود. در پایان هم دو جایزه به این فیلم تعلق گرفت. اما نکته جالب برخورد داوران بخش اف‌های جشنواره بود که در میهمانی شام پس از اختتامیه، در دیداری که با آنها داشتیم گفتند که همه داوران این بخش درمورد بهترین‌بودن فیلم هم‌نظر بودند و تمام آرا به «جنگ جهانی سوم» تعلق گرفت و درباره جایزه محسن تائبنده هم همین موضوع صدق می‌کرد و در همین گفت‌وگوها اشاره می‌کرد با اینکه فیلم‌های دیگری برای ارزیابی مانده بود، مطمئن بودند جایزه بهترین بازیگر متعلق به محسن تائبنده است. به نظرم این نوع اظهار نظر قطعی، می‌تواند نشان‌دهنده کیفیتی از فیلم باشد و فکر می‌کنم از الان به بعد هم اتفاقات خوبی برای فیلم رخ خواهد داد.»

او در پایان در پاسخ به این پرسش که با توجه به حواشی جشنواره فیلم کن و اظهار نظر عوامل فیلم‌های حاضر در این جشنواره که منجر به اتفاقاتی در داخل کشور شد، حضور سینماگران در این دوره از جشنواره فیلم ونیز را چطور ارزیابی می‌کند؟ گفت: «معتقدم بچه‌های سینماگر ایرانی در نشست‌های خبری بسیار مسلط و درست با موضوعات و پرسش‌های حاضر در جشنواره فیلم کن و فارسی‌زبان روزانه پنج، شش گزارش درباره جشنواره فیلم ونیز پخش می‌شد و حتی در نشست پرسش و پاسخ درباره فیلم‌ها پرسش‌های غیرمتعارف و غیرحرفه‌ای مطرح می‌شد، اما کنفرانس‌های مطبوعاتی تمامی فیلم‌ها بسیار حرفه‌ای برگزار شد و پرسش‌ها با پختگی تمام پاسخ داده می‌شد. حتی نوبت محمدراده که در جشنواره فیلم کن تجربه دیگری داشت، در اینجا بسیار حرفه‌ای به پرسش‌ها با پاسخ داد و با وجود تلاش یکی، دو روزنامه‌نگار متعلق به رسانه‌های فارسی‌زبان، وارد هیچ حاشیه‌ای نشد و جشنواره فیلم ونیز از این جهت هم نسبت به جشنواره‌های دیگر متمایز بود.»

زندگی، مناسبات روحی، الگوآفرینی‌ها و اسطوره‌سازی‌ها و… بر جای می‌گذارد. برای شناخت تأثیرگذاری سینما بر مناسبات زندگی جامعه ایران نخست باید میزان استقبال مردم از آثار سینمایی را به‌طور واقع‌بینانه شناخت؛ آیا خرید بلیت سینما در سبد کالا‌های اساسی زندگی قرار دارد؟ دلایل فاصله‌گرفتن مردم از سینما چیست؟ تا چه میزان افکارسنجی و آسیب‌شناسی علمی و فرآیگر در این وادی صورت گرفته است؟ همراهی رسانه‌ها، شخصیت‌های مرجع جامعه و سازمان‌های مردم‌نهاد در این وادی را چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟ از دیگر موضوعات قابل تأمل در روز ملی سینما، تلاش برای «مرکززدایی» در تولیدات سینمایی است. با توجه به تنوع اقلیم، خرده‌فرهنگ‌ها و توانمندی‌های خلاق در جای جای ایران شایسته‌است که رویه تولید بیشتر معطوف به تهران نباشد و زیرساخت‌های مناسب برای پروسه کامل تولید فیلم‌های سینمای حرفه‌ای در دل شهرستان‌ها صورت گیرد. در این صورت هم بستر تجلی ذوق نیروهای کمتر دیده‌شده فراهم می‌آید و همچنین شاهد افزایش دامنه رقابت، نقد و تحلیل در فضای سینمایی کشور و نزدیک‌شدن به جریان زندگی طیف‌های مختلف جامعه ایران خواهیم بود.

سیاسی در پاکستان، جست‌وجوی چندساله بن‌لادن و کشتن او، حملات پهپادهای آمریکا به مناطق قبائلی در شمال غرب پاکستان و رقابت‌های هند و پاکستان را هم دربر می‌گیرد که برای دنبال‌کنندگان این مباحث جذابیت دارد. اما مهم‌ترین خصیصه کتاب را باید در شرح چگونگی ترکیب ساختارهای اجتماعی و فرهنگی (قبیله، مذهب، مدارس مذهبی)، اقتصاد (فقر و توسعه‌نیافتگی)، سیاست داخلی (پی‌سازمانی سیاسی، عدم توازن قدرت ارتش و غیرنظامیان، و فقدان ظرفیت دولت) و سیاست بین‌المللی (جدایی هند و پاکستان، رقابت آمریکا و شوروی، رقابت هند و پاکستان بالاخص در موضوع کشمیر، و سیاست آمریکا در مبارزه با تروریسم) با کنشگری‌های افراد خاص (به‌ویژه ضیاءالحق) در پیدایش افراط‌گری و تروریسم دانست. همین امر است که دشواری عظیم مقابله با این پدیده را نیز آشکار می‌کند.

کتاب برای خواننده مطالعات اجتماعی توسعه و امنیت، سیاست بین‌الملل، مطالعات منطقه‌ای و



مطالعات امنیتی، محتوا و بینش‌های زیادی دارد. کتاب «پاکستان، طالبان، القاعده و ظهور تروریسم» سال ۲۰۱۸ به انگلیسی منتشر شده است. انتشارات لوح فکر این کتاب را با ترجمه امیرحسین کلاهیچ در ۱۱۶ صفحه، با قیمت ۶۵ هزار تومان در سال ۱۴۰۱ منتشر کرده است. برای تهیه کتاب می‌توانید از طریق صفحه اینستاگرام برگ‌بگ اقدام کنید. برگ بگ کتاب، تجربه زندگی ناب